

## \* جریان شناسی حضور بنی‌اسلم در ماجرای سقیفه

کله هادی وکیلی<sup>۱</sup>

کله ایمان بوژمهرانی<sup>۲</sup>

### چکیده

بنی‌اسلم، یکی از قبایل مهم و تأثیرگذار در حوادث صدر اسلام و پس از آن به شمار می‌رود، که در بسیاری از جریانات حضور داشته‌اند. این جستار، با هدف تحلیل گزارش‌های تاریخی در خصوص علت و انگیزه‌ی حضور اسلمیان در مدینه و مسؤولیت آنها در ماجرای سقیفه و با کنارهم قرار دادن شواهد و قرائن، سعی در جریان‌شناسی عملکرد و بازشناسی نقش آنان در وقایع پس از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارد. صاحب نظرانی همچون شیخ مفید رحمتهُ اللهُ، خرید آذوقه را علت حضور اولیه بنی‌اسلم در مدینه می‌داند که پس از آن، دستگاه حکومتی با تطمیع، در پیشبرد اهداف خود از آنها بهره برد. اما شواهدی همچون: غیبت ابوبکر هنگام رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، جمعیت زیاد بنی‌اسلم، موقعیت جغرافیایی، پایین‌تر بودن موقعیت اجتماعی آنها نسبت به قریش، حضور در ماجرای هجوم به خانه دختر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، دریافت مقرری بیشتر در عصر خلیفه‌ی دوم و نیز آیاتی در قرآن کریم مبنی بر نفاق آنان، احتمال حضور برنامه‌ریزی شده و هدفمند اسلمیان در مدینه و بهره‌گیری از ظرفیت آنها در پیشبرد اهداف برخی تجمع‌کنندگان در سقیفه را تقویت می‌نماید.

**واژگان کلیدی:** بنی‌اسلم، سقیفه، بیعت، قبایل صدر اسلام، ابوبکر.

---

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۰

۱. دانشیار گروه آموزشی تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد، vakili@ferdowsi.um.ac.ir

۲. طبله سطح ۳ رشته تاریخ و سیره‌اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام مدرسه تخصصی قرآن و عترت مشهد (نویسنده مسئول).

imanmehrani1375@gmail.com

أسلمیان، جزء عرب‌های بدوی و بادیه‌نشین و از تبار «أسلم بن أفضی بن حارثة»، از عرب قحطانی و زیرشاخه‌های «خزاعه» هستند. (فلقشندی، ۱۴۱۱: ۳۲/۱) آنها در مسیر مکه به مدینه و در همسایگی قبیله‌ی بنی‌غفار زندگی می‌کردند و مناطق «جمدان»،<sup>۱</sup> شبکه شدخ،<sup>۲</sup> (یاقوت، بی‌تا: ۳۲۸/۳) «وَبْرَه»<sup>۳</sup> (کحاله، ۱۹۹۴: ۲۶/۱) به آنان منتسب است؛ از این رو، عمده‌ی اشتغال آنها، کشاورزی و دامداری بوده است.

نسب بنی‌أسلم به حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام می‌رسد و به همین جهت، در تیراندازی مهارت بسیاری داشتند، تا جایی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: پدر شما - حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام - از تیراندازان بود.<sup>۴</sup> (ابن حزم، ۱۴۱۸: ۳۲۵/۱)

در رابطه با زمان اسلام آوردن قبیله‌ی بنی‌أسلم، اطلاعات دقیقی در دست نیست، ولی گزارش‌هایی در خصوص حضور أسلمیان در غزوات وجود دارد. در تاریخ آمده است که در جریان جنگ خیبر، اسماء بن حارثه، به حضور پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: بنی‌أسلم می‌گویند: از گرسنگی و ناتوانی در مانده شده‌ایم، لطفاً برای ما دعا بفرمایید. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: به خدا سوگند چیزی ندارم که از آنها پذیرایی کنم؛ سپس با صدایی بلند خطاب به همه مردم فرمود: خداوند بزرگ‌ترین حصار را که از همه بیشتر خوراک و خواربار داشته باشد، برای ایشان بگشای! (واقدی، ۱۳۶۹: ۵۰۳) در خصوص حضور ایشان در جنگ حنین نیز آمده است: بنی‌أسلم دو پرچم داشتند که یکی همراه «بریده بن حصیب» و دیگری نزد «جندب بن اعجم» بود. (واقدی، ۱۳۶۹: ۶۸۴)

مشارکت أسلمیان در جنگ تبوک نیز مورد تأیید مورخان قرار گرفته است چنان‌که از ابوُرهم غفاری نقل شده است که: من در جنگ تبوک همراه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حضور داشتم؛ حضرت از من پرسیدند: آن چند نفر بلند قامت که شبیه سرخ‌پوست‌ها بودند، چه کردند؟ گفتم: آنها از حرکت خودداری کردند. فرمودند: آن چند نفر سیاه کوتاه‌قد موفرفری که رنگ پوستشان بین سرخی و سیاهی بود، چه کردند؟ گفتم: به خدا قسم آنها را نمی‌شناسم. فرمودند: آنها را می‌گویم که در شبکه شدخ بودند! ابوُرهم می‌گوید: هر چه فکر کردم که شاید آنها از بنی‌غفار باشند، چیزی به خاطر نیامد، بعد یادم آمد که آنها گروهی از بنی‌أسلم هستند که با ما بودند و در شبکه شدخ سکونت داشتند و صاحب

شتران فراوانی بودند. گفتیم: ای رسول خدا آنها گروهی از بنی‌اسلم و از هم‌پیمانان ما بودند. (واقدی، ۱۳۶۹: ۷۶۳) علی‌رغم اثبات حضور مسلمانان در غزوات، گزارش‌هایی مبنی بر حضور آنها در صلح حدیبیه هم وجود دارد (واقدی، ۱۳۶۹: ۴۴۵) که شرح آنها در این مجال نمی‌گنجد.

در خصوص مشارکت مسلمانان در وقایع پس از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، داده‌های ضدّ و نقیضی وجود دارد. برخی از صاحب‌نظران، حضور آنها را در مدینه، هم‌زمان با ماجرای سقیفه را کاملاً اتفاقی و ناشی از نیاز به تهیه مایحتاج می‌دانند، اما گروه دیگری از مورّخان و اندیشمندان، اساساً موضوع سقیفه را، جریانی استراتژیک، برنامه‌ریزی شده و هماهنگ دانسته و این تصوّر که حضور قبایل مهم عرب در این ماجرا، اتفاقی بوده باشد را، بعید می‌دانند. بنی‌اسلم در جریان سقیفه، به‌مثابه نیرویی نظامی برای جناح خلیفه اول بودند و برای تثبیت خلافت ابوبکر فعالیت‌های بسیار مهمی انجام داده و نقش اساسی ایفا کردند. علاوه بر این، آنها در هجوم به خانه‌ی دختر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز مشارکت داشتند. در این نوشتار، سعی شده است که تمام جوانب، احتمالات و عوامل حضور آنها در مدینه مورد بررسی قرار گیرد.

درخصوص ویژگی‌ها، فعالیت‌ها و میزان اثرگذاری قبیله‌ی بنی‌اسلم در وقایع صدر اسلام، نوشته‌های متعددی وجود دارد. عمر رضا کحاله در کتاب *معجم قبائل العرب*، دکتر جواد علی در کتاب *عرب قبل از اسلام* و ویلفرد مادلونگ در کتاب *جانشینی حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ* به صورت ضمنی به مسلمانان پرداخته‌اند.

## ۱. مهم‌ترین عامل پیروزی مهاجران در سقیفه

یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی واقعه سقیفه، وجود قبیله‌ی بنی‌اسلم شمرده می‌شود که نقش مؤثری در این ماجرا ایفا کردند. در آن روزگار، اعراب بادیه‌نشین، برای خرید آذوقه و مایحتاج خود، به شهرها می‌رفتند؛ و چون صحرا از امنیت کافی برخوردار نبود، اگر تعداد کمی از آنان می‌آمدند، مورد قتل و غارت قرار می‌گرفتند، لذا افراد قبیله، به صورت گروهی سفر می‌کردند. مردان بنی‌اسلم بدین منظور به مدینه آمده بودند. زمانی که وارد مدینه شدند، بیعت اولیه و خصوصی با ابوبکر در سقیفه انجام شده بود. عُمر بن خطاب و دیگران به آنان گفتند: بیاید کمک کنید برای خلیفه‌ی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیعت بگیریم! در

عوض، ما هم به صورت رایگان به شما خواروبار می‌دهیم! آنها خوشحال شده و به سرعت با ابوبکر بیعت کردند؛ خود را تجهیز کرده و مدینه را قُرق کردند؛ به هر کوجه و بازاری که می‌رسیدند، همه را گرفته و برای بیعت، نزد ابوبکر می‌بردند. بدین ترتیب، ابوبکر به کمک قبیله‌ی اُسلم، خلیفه شد، (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۴۷) به نحوی که عمر بن خطاب گفت: زمانی که قبیله‌ی اُسلم را دیدم، یقین پیدا کردم که پیروزی ما قطعی است. (طبری، ۱۳۸۷: ۲۲۲/۳)

اُسلمیان با حداکثر نفرت خود، برای بیعت راهی شدند تا جایی که نقل شده است، آن قدر از بنی اُسلم برای بیعت با ابوبکر آمده بودند که حتی بازارها گنجایش آنها را نداشت! (طبری، ۱۳۸۷: ۲۲۲/۳) از این رو، ابن اثیر معتقد است با آمدن قبیله‌ی بنی اُسلم و بیعت کردن آنها با ابوبکر، ابوبکر قدرت پیدا کرد و مردم هم برای بیعت آمدند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۳۳۱/۲)

## ۲. بنی اُسلم در قرآن

اُسلمیان از دو طیف ناهمسو تشکیل شده بودند؛ دسته‌ی مؤمنین، که در جنگ‌ها و سختی‌ها همراه پیامبر ﷺ بودند و گروه دیگر، منافقین بودند که دچار ضعف ایمان بوده و نسبت به اوامر نبوی، کارشکنی می‌کردند. منافقین بنی اُسلم، برای حفظ جان و مال خود، اظهار اسلام کردند ولی در غزوات و سرایای پیامبر ﷺ شرکت نمی‌کردند. (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۵۴/۴) لذا آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی حجرات، پس از سرپیچی آنها از غزوه‌ی حدیبیه، در خصوص آنها و دیگر کسانی که همانند آنها بودند، نازل گردید: (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۵۴/۴) ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَأَمْنَا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قَوْلُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ...﴾ (حجرات/۱۴) (عرب‌های بادیه‌نشین گفتند: ایمان آورده‌ایم. بگو: شما ایمان نیاورده‌اید؛ ولی بگویید: اسلام آورده‌ایم؛ اما هنوز ایمان به قلب‌های شما وارد نشده است) همچنین نام قبیله‌ی بنی اُسلم در شمار قبایلی که برای اسلام آوردنشان بر پیامبر ﷺ مَنّت گذاشته‌اند، آمده است و آنان از کسانی بودند که وقتی برای عمره از آنها دعوت می‌شد، سرپیچی می‌کردند. (مبیدی، ۱۳۷۱: ۲۶۷/۹)

### ۳. بررسی و نقد گزارش‌های تاریخی حضور بنی‌اسلم در مدینه

گزاره‌های تاریخی، صرفاً بیانگر حضور اتفاقی و تصادفی بنی‌اسلم در مدینه هستند، اما با چینش وقایع و گزارشات مربوط به سقیفه، به عنوان یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ اسلام، قبول این اتفاق و تصادف، کمی ساده‌انگارانه به نظر می‌رسد. کسانی که معتقد به حضور برنامه‌ریزی نشده‌ی ایشان هستند، شواهدی را به عنوان دلیل ذکر نموده و در پایان حضور اتفاقی آنها را نتیجه گرفته‌اند. اما همان‌طور که عقل سلیم حکم می‌کند، معیار در مقدمات هر برهان، یقینی بودن آن است، و به میزانی که در مقدمات، ظن راه یابد، نتیجه هم‌مضمون خواهد بود؛ چرا که نتیجه، تابع اخس مقدمات است. در مورد حضور اسلمیان در مدینه نیز، قطع به اینکه آنها صرفاً برای خرید آذوقه و مایحتاج آمده بودند، وجود ندارد و اتفاقاً شواهد، از حضور هماهنگ و برنامه‌ریزی شده آنها حکایت دارد. در ادامه به برخی از این شواهد اشاره می‌گردد.

#### ۳-۱. احتمال غارت

گروهی از مورخان، علت دسته‌جمعی آمدن اسلمیان به مدینه را، خطر غارت در مسیر بازگشت بیان کرده‌اند؛ به همین جهت، با افراد زیادی آمده بودند؛ اما همان‌طور که در ابتدای این نوشتار گذشت، قبیله‌ی بنی‌اسلم، از قبایل میان راه مکه و مدینه (دانشنامه حج و حرمین شریفین، ۱۳۹۲: م بنی‌اسلم) و تقریباً متصل به مدینه است؛ با این حساب، خطر غارت، دور از ذهن است. با توجه به نقشه‌ی قبائل جزیره‌العرب در صدر اسلام، قبیله‌ی بنی‌اسلم به صورت قرینه با یهودیان قینقاع می‌باشد؛ یعنی یهود قینقاع در شمال غربی مدینه هستند و اسلمیان در جنوب شرقی، با این حساب که قبیله‌ی بنی‌قینقاع را جزئی از مدینه و بنی‌اسلم را خارج از مدینه می‌دانند.

هدف ما از این مقایسه، اثبات نزدیکی جغرافیایی اسلمیان به مدینه است. در اینکه محل استقرار بنی‌اسلم، خارج از مدینه است، شکی نیست؛ چرا که در جنوب مدینه، منطقه‌ای سنگلاخ که در لسان عربی به آن «حَرّه» گفته می‌شود، وجود دارد که باعث انفکاک قبایل جنوب مدینه از این شهر می‌شود. بنی‌اسلم اگر از سمت جنوب می‌رفتند، مسیر بسیار کوتاه‌تری را طی می‌کردند و آن، عبور از دروازه‌ی قبیله‌ی بنی‌قریظه بود، همان دروازه‌ای که در جنگ احزاب، یهودیان می‌خواستند سپاه کفار را از آن راه عبور دهند

(ن.ک: جعفریان، ۱۳۸۲: ۱/۵۷۰-۵۴۹) که بعد از جنگ احزاب به دستور رسول الله ۹ قبیله ی بنی قریظه مورد محاصره قرار گرفتند و طی محاصره ای که تقریباً بین ۱۵ (مقریزی، ۱۹۹۹: ۱/۲۴۵) تا ۲۵ روز (ابن هشام، بی تا: ۲/۲۳۵) به طول انجامید، طومار یهودیان بنی قریظه درهم پیچیده شد. عاقلانه این بود که مسیر تردد آنها همین راه باشد که در این طریق، هیچ قبیله ای جز اوس و خزرج نبود که آنها نیز مسلمان بوده و عادت زشت غارت در اسلام نهی شده بود و هیچ گزارشی از این دو قبیله، بعد از اسلام، مبنی بر غارت وجود ندارد. با فرض عدم عبور بنی اسلم از این راه، اسلمیان باید از شمال مدینه به سمت جنوب حرکت می کردند، گرچه مسیر کمی طولانی تر می شد اما باز هم در بین مسیر، فقط دو قبیله ی اوس و خزرج بودند که اشاره شد به دلیل مسلمانی، فرض غارت توسط آنها قابل اعتنا نیست.

حال به بررسی قبایلی که در بین راه مکه و مدینه بوده اند و احتمال غارت به وسیله آنها می رفته است، پردازیم:

قبیله ی بنی غفار: همان طور که در مقدمه به آن اشاره شد، بنی غفار در نزدیکی اسلمیان می زیستند و به همین دلیل، دو قبیله از یک چاه آب استفاده می کردند. می توان دو دلیل برای مسلمان بودن بنی غفار اقامه کرد؛ یک نام «ابوذر» در میان اولین افرادی که اسلام آورده (ابن عساکر، بی تا: ۲۰/۳۸۴) و همچنین نزول آیه در رابطه با شماتت کفار قریش، در زمان مسلمان شدن بنی غفار<sup>۵</sup> (ماوردی، بی تا: ۵/۲۷۵) می باشد که احتمال غارت به وسیله آنها را تضعیف می کند.

قبیله خُزاعه: غرب اسلمیان، در حاشیه ی دریای سرخ، قبیله ی خُزاعه قرار داشته است. آنان در زمان صلح حدیبیه، با پیامبر ﷺ هم پیمان بودند (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۱/۴۴۱) و خطر غارت توسط آنها، به دلیل هم پیمانی با پیامبر ﷺ نفی می شود.

قبیله جُرهم: آنها در سمت غرب و پایین تر از قبیله ی خُزاعه بودند که بر اساس داده های تاریخی، قدرت و حکومت آنان، قبل از اسلام، توسط خُزاعه ضعیف شده بود (بلاذری، ۲۵/۱۹۸۸) و ظاهراً توان غارت و مقابله با بنی اسلم را نداشتند.

قبیله گنانه: این قبیله، در جنوب اسلمیان واقع شده است. گزارش های تاریخی، حاکی از اسلام آوردن تعدادی از آنان، همزمان با شروع تبلیغ اسلام توسط پیامبر ﷺ است.

(بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۱/۱۲۴) بعد از استقرار پیامبر ﷺ در مدینه، سران بعضی قبائل برای پیمان با رسول الله ﷺ رهسپار مدینه شدند، که از زمره‌ی آنان، رؤسای قبیله‌ی کنانه بودند. در این پیمان، کنانی‌ها متعهد شدند تا با مسلمانان وارد جنگ نشوند و دشمنان اسلام را یاری نکنند. (واقدی، ۱۴۱۹: ۱۲/۱) با این حساب نمی‌توان احتمال غارت به وسیله‌ی آنها را پذیرفت.

با توجه به موقعیت جغرافیایی اُسلمیان، قبایل مجاور آنها مورد بررسی قرار گرفت. در جهت شرق آنان، صحرای داغ جزیره‌العرب قرار داشت و امکان زیستن در آنجا فراهم نبود. با این حساب که فرض غارت توسط قبائل اطراف متنفذی شد، پس چه دلیلی قانع‌کننده برای کثرت جمعیت‌شان در مدینه باقی می‌ماند؟



نقشه شماره ۱۰: موقعیت جغرافیایی قبیله بنی‌اسلم در صدر اسلام (جعفریان، ۱۳۸۲: ۱/انتهای کتاب)

حال این سؤال مطرح می‌شود، که چرا باید جمعیت بنی‌اسلم به گونه‌ای باشد که بازارها گنجایش آنها را نداشته باشد؟ (طبری، ۱۳۸۷: ۳/۲۲۲) با فرض قبول احتمال غارت در راه بازگشت از مدینه، باز هم نیازی به این همه جمعیت بوده است؟! در کثرت جمعیت آنها، دو احتمال قابل طرح است:

احتمال اول: ابتدا تعدادی از اَسلمیان برای خرید آذوقه آمده باشند و بعد از پیشنهاد عُمر جهت تأمین آذوقه، افراد موجود به بقیه اطلاع داده‌اند و آنها هم به مدینه آمده و با ابوبکر بیعت کردند و او را مورد حمایت خود قرار دادند.

احتمال دوم: از همان ابتدا با جمعیت زیاد آمده‌اند؛ این قول با نقل شیخ مفید رحمته الله سازگارتر است؛ چرا که ایشان از ابتداءی حرکت، به کثرت جمعیت و علت آن اشاره کرده است. با این وجود، احتمال می‌رود، نماینده منتخب سقیفه به صورت پنهانی با اَسلمیان دیدار داشته‌اند و از آنها درخواست یاری کرده‌اند.

ممکن است این پرسش به ذهن خواننده خطور کند که به‌راستی چرا خرید آذوقه و جلوگیری از غارت، به عنوان دلیل فزونی جمعیت آنها در تاریخ نقل شده است؟ در پاسخ می‌توان گفت: به احتمال قوی، خرید آذوقه، صرفاً بهانه‌ای برای حضور اَسلمیان در مدینه بوده است؛ چرا که اگر انصار می‌دانستند بنی‌اَسلم برای حمایت از ابوبکر آمده‌اند، به آنها اجازه‌ی ورود به شهر را نمی‌دادند. پس باید دلیلی برای حضورشان با جمعیت زیاد در مدینه داشته باشند که آن دلیل، خرید آذوقه و جلوگیری از غارت می‌باشد؛ لذا ظاهراً به همین جهت است که شیخ مفید رحمته الله علت حضور اَسلمیان را این امر می‌داند و همین مطلب، در تاریخ نقل شده است.

### ۳-۲. شبهه‌ی عدم رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله

بر اساس گزارش‌های تاریخی، هم‌زمان با رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، عمر در مدینه و ابوبکر در سُح حضور داشته‌اند. (طبری، ۱۳۸۷: ۲۰۰/۳) خلیفه دوم پس از فوت حضرت گفته بود: مردمانی از منافقین گمان می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرده است! به‌خدا سوگند! که پیامبر صلی الله علیه و آله نمرده است، بلکه نزد خدا رفته است؛ همان‌طوری که حضرت موسی علیه السلام نزد خدای عالم رفت و چهل روز غائب شد و سپس برگشت درحالی که گفته شده بود او مرده است! به خدا سوگند! پیامبر صلی الله علیه و آله برمی‌گردد و دست و پای کسانی را که معتقد به رحلتش شده‌اند را قطع خواهد کرد! (بلاذری، ۱۱۴۹: ۵۶۵/۱) او چنین وانمود می‌کرد که اگر کسی معتقد به فوت پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، منافق است و هرکس به او می‌گفت که ایشان رحلت کرده‌اند، قبول نمی‌کرد، تا اینکه ابوبکر به مدینه برگشت و گفت که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفته

است! که در آن هنگام وی قانع شده و دیگر اعتراضی نکرد! (بخاری، ۱۴۱۴: ۱/۱۳۴۱) در خصوص علت این رفتار از سوی عمر، احتمالات و سؤالات متعددی قابل طرح است:

الف. آیا رفتار عمر، نشان از علاقه‌ی زیاد و محبت وافر وی به پیامبر ﷺ بود؟ مانند کسی که وقتی خبر فوت عزیز و محبوبش را دریافت می‌کند، قبول نمی‌کند و می‌گوید دروغ است؟ این وجه در خصوص عمر، نیازمند بررسی و تحلیل عمیق است؛ چراکه وی در زمان حیات رسول اکرم ﷺ، نسبت هذیان و بیهوده‌گویی به حضرت داد و به دیگران نیز نهیب زد که گوش به سخنان او نسپرید. (بخاری، ۱۴۰۱: ۴/۶۶)

ب. چرا شبهه‌ی وفات نکردن پیامبر ﷺ تنها برای عمر بن خطاب پیش آمد؟ او از کجا و با استناد به کدام آیه و روایت چنین حدسی زد که رسول خدا ﷺ از دنیا نرفته و مانند حضرت موسی عليه السلام به میقات رفته و به زودی بازمی‌گردد و دست و پا قطع می‌کند؟!

ج. چه حکمتی داشت که عمر، تنها با سخنان ابوبکر آرام گرفت و مسأله‌ی رحلت ایشان را پذیرفت؟ مضافاً بر اینکه مگر ابوبکر وظیفه نداشت در جیش اسامه باشد؟ پس چرا تخلف کرد و نرفت؟! اگر برای نگرانی حال رسول الله ﷺ بود، پس چرا در زمان وفات پیامبر ﷺ غایب بود؟

احتمال می‌رود علت این کار عمر، کسب فرصت بوده است تا ابوبکر از راه برسد؛ مؤید این احتمال، سخن خود عمر در زمان سقیفه است که گفت: من به پیروزی در سقیفه امیدی نداشتم تا اینکه حضور بنی‌اسلم را دیدم! (طبری، ۱۳۸۷: ۳/۲۲۲) ضمن اینکه با قرائن فوق، چنین برداشت می‌شود که ابوبکر برای کار مهمی (که به زعم نگارنده، بسیار محتمل است که این کار مهم، رایزنی در جذب عده‌ای برای حمایت بوده است) از شهر خارج شده و قرار نبوده است تا زمان برگشت او، خبر فوت پیامبر ﷺ انتشار پیدا کند؛ تا اینکه ابوبکر به مدینه برگشته و شخصاً مردم را قانع کند.

### ۳-۳. کسب افتخار در همراهی قریش

احتمال دیگر این است که قبیله‌ی بنی‌اسلم چون از اعراب بادیه‌نشین محسوب می‌شدند و از شرافت قبیله‌ای بی‌نصیب بودند، همکاری و همپیمانی‌شان با قریش، افتخار بزرگی به حساب می‌آمد، لذا یکی از انگیزه‌های همکاری آنها، می‌تواند همین مسأله باشد.

### ۳-۴. افزایش دریافت از بیت المال

گزاره‌هایی در خصوص فزونی دریافتی اُسلمیان از بیت‌المال نسبت به دیگر قبایل بادیه‌نشین در زمان خلیفه دوم، وجود دارد. (طبری، ۱۳۸۷: ۱۵۴/۴) همین نکته می‌تواند قرینه‌ای بر وجود قراردادی بین بنی‌اُسلم و سردمداران جریان سقیفه باشد؛ زیرا اگر هدف آنها از حمایت ابوبکر در سقیفه، فقط دریافت رایگان آذوقه می‌بود، باید بعد از پیروزی سقیفه و دادن آذوقه، با حکومت بی‌حساب می‌شدند؛ پس چرا بعد از گذشت سال‌ها، در زمان خلیفه‌ی دوم، باید بیشتر از بیت‌المال مقرر می‌گردد؟!

### ۳-۵. سخن قرآن در مورد نفاق بنی‌اُسلم

اثبات نفاق آنها در آیات قرآن و همچنین نزدیکی اُسلمان به مدینه، احتمال حضور برنامه‌ریزی شده‌ی آنان در سقیفه را تقویت می‌نماید.

### ۴. اقدامات راهبردی اُسلمیان

از اقدامات ابتدایی قبیله‌ی بنی‌اُسلم، همزمان با حضورشان در مدینه، بیعت با ابوبکر بود. در زمان بیعت اُسلمیان با ابوبکر، بازار مدینه توانایی گنجایش آنها را نداشته است (طبری، ۱۳۸۷: ۲۲۲/۳) و این نشان می‌دهد که بیعت برای اُسلمیان چقدر گسترده و همگانی بوده است. بدون شک هر جریان شورشی در جامعه، نیازمند گروهی شبه نظامی است که رهبر شورشیان را مورد حمایت خود قرار دهند و از دستورات او پیروی کنند؛ این امر مهم برای سردمداران سقیفه، توسط اُسلمیان صورت گرفت؛ به گونه‌ای که «براء بن عازب» که از اصحاب پیامبر ﷺ است، نقل می‌کند: پس از سقیفه، ابوعبیده جراح،... و گروهی چماق به‌دست! را دیدم که ژست حمله و تهاجم به‌خود گرفته و به هر کس می‌رسیدند، وی را کتک می‌زدند و به زور دست او را گرفته، به عنوان بیعت - چه بخواهد و چه نخواهد - بر روی دست ابوبکر می‌کشیدند. (معتزلی، ۱۴۰۳: ۱/ ۲۱۹)

یکی از مسلمات تاریخی، هجوم به خانه حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد. در این جریان، عده‌ای از اعراب و صحرانشینان (بنی‌اُسلم = همان افرادی که در گزارش قبلی ذکر گردید) چماق به‌دست! به راه افتاده و با زور، از مردم بیعت می‌گرفتند؛ آن دسته از افرادی که در خانه‌ها بودند را، مجبور به بیعت می‌کردند. (مهدی، ۱۳۸۷: ۳۷) با این حساب،

بنی‌اسلم، مردم را مجبور به بیعت می‌کردند. درون خانه حضرت زهرا علیها السلام نیز، عده‌ای از بنی‌هاشم و دیگران متحصّن شده بودند (مهدی، ۱۳۸۷: ۴۰) که بنا به گزارش اول، خانه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز از این قائده (بیعت اجباری) مستثنی نبود.

### نتیجه‌گیری

با کنار هم قرار دادن قرائن و شواهد گردآوری شده در این جستار، و نیز آیاتی که در مَدَمّت و نفاق بنی‌اسلم نازل شده است، همکاری بدون تفکّر و تدبیر اَسلمیان با جریان‌سازان سقیفه، ساده‌انگارانه به نظر می‌رسد؛ چراکه به دلیل نزدیکی آنها به مدینه، جمعیت زیاد، نیاز مالی و نفاق عده‌ای از آنان در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، ابزار مناسبی برای پیش‌برد اهداف جریان سقیفه وجود داشت. در گزارش‌های تاریخی، دلیل کثرت جمعیت آنها در مدینه، احتمال غارت آذوقه در مسیر بازگشت بیان شده است که این دلیل با بررسی اوضاع اجتماعی قبایل همجوار صورت گرفته، منتفی گردید؛ از طرفی اَسلمیان، در شمار اعراب بادیه‌نشین محسوب شده است که از شرافت قبیله‌ای برخوردار نبودند، لذا همکاری با قریش که از قبایل به نام عرب بود، طبیعتاً برای آنها افتخار محسوب می‌شد؛ علی‌رغم این موارد، برای این همکاری، وعده‌ی دریافت آذوقه‌ی رایگان به اَسلمیان داده شده بود و حتی در زمان خلیفه‌ی دوم نیز مقرّری آنها بیش از دیگر قبائل بود. برآیند شواهد و قرائن موجود، احتمال همکاری برنامه‌ریزی شده و هماهنگ اَسلمیان در جهت پیش‌برد اهداف سقیفه را، بیش از پیش به واقعیت نزدیک می‌سازد.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. کوهی در حجاز حد فاصل قُدید و عُسفان.
۲. آبی از آن اَسلم و غفار.
۳. قریه‌ای دارای نخلستان از مناطق پیرامونی مدینه.
۴. قال النبی علی قوم من اَسلم یتناضلون بالسوق: «ارموا، یا بنی اِسماعیل؛ فَإِنَّ أَبَاکُم کان رامیا.»
۵. آیه ۴۶ سوره احقاف

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، طبع دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۳ق.
۲. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر- دار بیروت، ۱۳۸۵ق.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۵. ابن حزم، علی، جمهرة انساب العرب، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۶. ابن عساکر، علی بن الحسن، تاریخ مدینة دمشق، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۷. بخاری، محمد، صحیح البخاری، بیروت، دار کثیر یمامه، ۱۴۱۴ق.
۸. بلاذری، احمد، انساب الاشراف، تحقیق: دکتر محمد حمیدالله، مصر، دارالمعارف، بی تا.
۹. -----، فتوح البلدان، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸م.
۱۰. جعفریان، رسول، تاریخ اسلام، قم، دلیل ما، ۱۳۸۲.
۱۱. جمعی از نویسندگان، دانشنامه حج و حرمین شریفین، پژوهشکده حج زیارت، تهران، ۱۳۹۲.
۱۲. حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۳. حمیری معافری، عبدالملک، السیره النبویه، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
۱۴. شیخ مفید، الجمل، چاپ دوم، دارالمفید، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۱۵. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ق.
۱۶. قلقشندی، احمد، نهیة الارب فی معرفة انساب العرب، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۱۷. کحاله، عمر، معجم قبائل العرب، بیروت، موسسه الرساله، ۱۹۹۴م.
۱۸. ماوردی، علی بن محمد، النکت و العیون، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.
۱۹. مقریزی، احمد، امتاع الاسماع، تحقیق محمد النمیس، بیروت، بی تا، ۱۹۹۹م.
۲۰. مهدی، عبدالزهراء، نگرشی در اسناد و مدارک هجوم به خانه حضرت زهرا علیها السلام، تهران، مولودکعبه، ۱۳۸۷.
۲۱. میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۲۲. واقدی، محمد بن عمر، مغازی تاریخ جنگ های پیامبر صلی الله علیه و آله، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.